



کشمیر

سرزمین مجاہدان اسلامی

تاریخچه کشمیر :

ایالت کشمیر در شمال غربی شبه قاره هند واقع شده است . از جنوب بخاک هند و پاکستان و بیشتر به پاکستان - و در شرق به تبت و در شمال به چین و روسیه شوروی و در شمال غرب و غرب ، با افغانستان و پاکستان ، محدود میباشد و قسمت عمده آن در جنوب و غرب پاکستان قرار دارد . جامو و کشمیر منطقه وسیعی به مساحت تقریباً ۸۵۸۶۱ میل مربع بوده و در حدود پنج میلیون و نیم جمعیت دارد که در دره کشمیر ۹۷ درصد و در مجموع ایالت جامو و کشمیر ۸۷ درصد آن ، مسلمانند . در سال ۷۱۵ میلادی ؛ مردی عرب بنام « حمیم بن سامه » وارد کشمیر شد ، این مرد نخستین مسلمانی بود که بکشمیر قدم میگذاشت ... و از آن تاریخ بعد اشاعه اسلام در کشمیر آغاز گردید ، بطوریکه در سال ۱۲۷۵ م بنا بقول « مار کو پولو » سیاح معروف ایتالیائی ، تعداد قابل توجهی از مسلمانان در کشمیر وجود داشته است .

پیشرفت و اشاعه اسلام وقتی در کشمیر اوج گرفت که راجه هندوی کشمیر بنام «رتجانا» رسماً اسلام را پذیرفت و نام خود را به « صدرالدین » تبدیل نمود . وی توسط يك مسلمان ترکستانی بنام « بلبل شاه » تبلیغ شد و با اسلام گروید . بلبل شاه نخستین مسجد را در « سریناگار » ساخت خرابه های آن هنوز در محله بلبل نگر ، بچشم میخورد . وی در سال ۱۳۲۷ م (۷۲۷ هـ) وفات یافت .

در اواسط قرن هشتم هجری - قرن ۱۴ میلادی - سید میر علی همدانی با اتفاق سید تاج الدین

و تقریباً ۷۰۰ نفر دیگر از سادات ایرانی ، برای تبلیغ اسلام بکشور مسافرت نمودند (۱) و به ترویج اسلام پرداختند ...

این سرزمین در واقع از قرن چهارده میلادی بپس ، تقریباً پانصد سال تمام ، تحت نظر فرمانداران مسلمان اداره میشد و پس از مدتی مغولهای هندوستان آنرا ضمیمه امپراطوری خود ساختند ولی دوسالی از حکومت آنان نگذشته بود که افغانها بر آن چیره شدند و تا سال ۱۸۹۰ م همچنان بر آن تسلط داشتند . کشمیر بعداً ضمیمه کشور جدید التاسیس سیک - بریاست مهاراجه رنجیت سنگ - گردید ولی پس از درگذشت این مهاراجه و تسلط تدریجی کمپانی هند شرقی بر شبه قاره هند و شکست سیکها ، در سال ۱۸۴۶ م بتصرف کمپانی هند شرقی درآمد .

بد نیست بدانید که کمپانی هند شرقی که بصورت ظاهر یک شرکت تجاری انگلیسی مجهز باسلحه و کشتی جنگی بود ، بعنوان تجارت قدم به شبه قاره هندوستان نهاد و ایالات آنرا یکی پس از دیگری اشغال نمود و دولت تیموری هندرا منقرض ساخت ، ولی پس از چند ماهیت این شرکت بازرگانی ! روشن گردید و کمپانی انحلال خود را اعلام داشت و دولت فخمیه ! بریتانیای کبیر ! ، رسماً جانشین آن گردید .. و انگلستان که حاکم مطلق العنان شبه قاره هند گشته بود ، ایالت کشمیر را بیاس خدمات مهاراجه «**کلاب سینک**» بوی فروخت . یعنی : . . . این سرزمین و مردم آن در ازای مبلغ هفت میلیون و نیم روپیه ، به مهاراجه کلاب سینک ، جءاعلای مهاراجه «**هارای سینک**» فروخته شد و طبق یک حساب تقریبی هر یک نفر انسان و ۸۰۰ جریب زمین ، بمبلغ ۱۹ ریال فروخته شد « ! (۲)

* * *

امپریالیسم در دوران تسلط استعماری نظامانه خود بر شبه قاره هند ، کیفیت حکومت را به دو شکل تقسیم نموده بود ، بدین ترتیب که قسمت اول دولت هندوستان (نائب السلطنه بریتانیا) و قسمت دیگر را که ششصد ایالت بود راجاهها **Rajas** و نوابها **Nawabs** اداره میکردند و ارتباط و پیوند این ایالات با حکومت مرکزی ، فقط بوسیله پیروی فرمانداران ایالات از دستورهای فرمانروای کل هندوستان که از طرف بریتانیا تعیین میشد ، عملی میگردد ؛ مردم شبه قاره سرانجام بپا خواستند و برهبری مردان بزرگ ، اعم از مسلمان و هندو ، زنجیرهای استعمار طولانی و یک قرن انگلیس را پاره کردند و با مبارزات پیگیر و خستگی ناپذیر خود ، بساط استعمار را برچیدند .

(۱) : مجله **هلال** چاپ پاکستان شماره ۳ سال سوم مقاله آقای عرفانی ص ۳۶ .

(۲) : « بن بست قضیه کشمیر ص ۱ و «متجاوز کیست؟» از آقای یدغلام رضا سعیدی ص ۱ .

ودرواقع آزادی شبه قاره ، سرآمد وقایع بزرگ جهانی در قرن ما ، وطلیعه آزادی و استقلال سرزمینهای استعمار شده دیگر آسیا و آفریقا بشمار آمد

پس از آنکه شبه قاره استقلال خود را باز یافت ، رهبران آن با در نظر گرفتن اختلافات شدید مذهبی و غیره ، به تقسیم آن بدو کشور هند و پاکستان رأی دادند و چون دولت انگلستان بموجب قانون تفویض استقلال ، کلیه حقوق را بر رؤسای ایالتها واگذار نموده و با آنان اختیار داده بود که بیکی از دو کشور هند و پاکستان - ملحق شو ند و با اصول خود مختار بمانند (۱) ، باستانی ایالت حیدرآباد و کشمیر که در آن روزها خود مختاری خود را اعلام نمودند بقیه بیکی از دو کشور ملحق شدند .

این وقایع در ۱۵ اوت ۱۹۴۷ میلادی ، یعنی درست ۱۸ سال پیش انجام پذیرفت ؛ در این هنگام مهاراجه کشمیر با پاکستان قراردادی بست که بموجب آن پاکستان می بایست که برای مدت یکسال اوضاع آن سامان را بوضع موجود نگهدارد و باز بموجب همان قرارداد ، ادارات پست و تلگراف و راه آهن و غیره را بدولت پاکستان تفویض نمود که اداره کند ، ولی این قرارداد در واقع توطئه خائنانه ای برای فریب پاکستان بود که از طرف مهاراجه انگلوفیل برهبری اربا با نش طرح شده بود .

«سهراری سنگه» مهاراجه هندوی کشمیر ، در همان ایام عده زیادی هندو سیک از پنجاب شرقی به داخله کشمیر آورد و بدستیاری نیروهای منظم خود ، به کشتار دسته جمعی مسلمانان دست زد : «.. ۲۴ اوت ۱۹۴۷ قتل عام مسلمانان طبق نقشه قبلی شروع شد این عمل فجیع با سوزانیدن خانه ها و بغارت بردن اموال و ربودن زنان و دختران مسلمان آغاز گردید و دامنه این عملیات موحش که از محلی بنام «باغ تحصیل» شروع شده بود ، بزودی سرا - رایالت جامو و کشمیر را فرا گرفت» (۲) و .. در یک قسمت از کشمیر تعداد ۲۳۷۰۰۰ نفر مسلمان از طرف نیروهای دولتی

(۱) : با اینکه انگلستان حق رأی را به راجه ها و نوابها اعطا نموده بود ؛ دولت هند و پاکستان ، پس از مذاکراتی اتفاق کردند که تصمیم نهائی در انتخاب هر یک از دو دولت ، بمعده مردم هر ایالتی خواهد بود و این مطلب صریحاً در کتاب سفیدهند درباره جامو و کشمیر که سال ۹۴۸ منتشر شده ؛ آمده است .

نهر و رهبران دیگر هند نیز بارها اعلام داشتند که اگر در ایالتی اختلافی بوجود آمد ، باید بآراء عمومی رجوع شود ؛ متأسفانه این موضوع در مورد کشمیر تا کنون مراعات نشده است !

(۲) «متجاوز کیست»؛ از سپید غلام رضا سعیدی صفحه ۱ .

با کمک هندوها و سیکها که فرماندهی همه آنها بعهده شخص مهاراجه هاری سنگ بود، کشته شدند... (۱).

در نتیجه این کشتار همه مسلمانان کشمیر علیه مهاراجه قیام کردند و وی ناچار شد که به شهر جسامو فرار کند.

وی در تاریخ ۱۰۶ اکتبر ۱۹۴۷، به فرمانروای کل استعماری وقت «لرد لوی مونت باتن» اطلاع داد که به دولت هند ملحق شده است! و بلافاصله از هند تقاضای کمک نظامی نمود و نندهم که در پی فرصتی میکشت تا ایالت جدیدی را اشغال کند؛ ضمن اعلام قبول الحاق مهاراجه کشمیر به هند؛ نیروهای مسلح خود را از راه هوای او وارد کشمیر نمود و به سرکوب کردن وحشیانه مردم مسلمان این ایالت دست زد.

این اقدامات تجاوزکارانه باعث شد که عشایر مسلمان به کمک مردم کشمیر آمدند و پاکستان نیز برای کمک به مسلمانان ایالتی که نمیخواستند به هند ملحق شوند و مورد تجاوز بیرحمانه قرار گرفته بودند، نیروهای خود را بمیدان فرستاد و جنگ خونینی بین هند و پاکستان در گرفت.

(۱) «بن بست قضیه کشمیر» ص ۱.

توضیح

اطلاعاتی که اخیراً به ما رسیده حکایت میکند که گفتگوهای جرائد درباره «سید عبدالله»، که در شماره گذشته با او اشاره شده بود اغراق آمیز بوده و قسمتی از آن صحت نداشته است.

ما ضمن تعقیب بحث کلی درباره «رباخواری»، و مفاسد بزرگ آن از هر گونه قضاوت در مورد این شخص خود داری میکنیم.